



تأثیر شاهنامه فردوسی بر ساختار شخصیتی و رشد روانی - جنسی فروید

جوانشیر اسدی

دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی گرگان، ایران

منور قلیزاده^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی گرگان، ایران

Email : monirgh13@gmail.com

چکیده

فروید در ابتدا، شخصیت را شامل بخشهای هشیار، نیمه هشیار و ناهشیار می دانست. وی سه ساخت بنیادی دیگر شخصیت را به نامهای نهاد (id)، خود (ego) و فراخود (superego) عنوان کرد. همچنین از دیدگاه فروید، مراحل رشد روانی - جنسی این است که جریان رشد از مراحل مختلفی می گذرد و تحول غریزه عمومی جنسی رشد را سازمان می دهد. آشنایی فروید با سنت های کهن و آیین های یهودی- مسیحی، از نخستین سال های کودکی اش آغاز شد. در اواخر دهه ۱۳۴۰ هم، دکتر محمود صناعی، که در زمینه روانکاوی آموزش دیده بود، این دیدگاه ها را در ایران مطرح کرد و به طور خاص سخنرانی مشهور او در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی بود. عنوان این سخنرانی «فردوسی، استاد تراژدی» بود که در آن، در کنار عقده پدرکشی یا عقده ادیپ که فروید مطرح کرده بود، از پسرکشی یا عقده رستم و برادرکشی هم به عنوان تعارضات اساسی و پایدار روح آدمی اسم می برد.

کلیدواژه: فروید، فردوسی، ساختار شخصیتی، مراحل رشد روانی - جنسی، شاهنامه.

¹ Corresponding Author



Effect of Ferdowsi's Shahnameh on Freud's personality structure and Mental and sexual development

Javanshir Asadi

PhD in Psychology, Islamic Azad University of Gorgan, Iran

Monavar gholizadeh

Graduate Student, General Psychology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Gorgan, Iran

Email : monirgh13@gmail.com

Freud initially considered the character to be conscious, semi-conscious, and obscure. He created three other fundamental creations in his name: id, self (ego) and superego. From the perspective of Freud, the stages of psycho-sexual development are that the flow of growth passes through different stages and organizes the transformation of the general sexual instinct of growth. Freud's acquaintance with the ancient traditions and Jewish-Christian rituals began from the earliest years of his childhood. In the late 1340s, Dr. Mahmoud Sana'i, who was trained in psychoanalysis, introduced these perspectives in Iran, and in particular his famous speech at the Ferdowsi Hall of the Faculty of Literature and the Humanities. The title of this lecture was Ferdowsi, the Master of Tragedy, in which, next to the fatherly complex or the Oedipus complex, which Freud proposed, he also refers to the boyhood or the constitution of Rostam and brotherhood as the fundamental conflicts of the human soul.

Keyword: Freud, ferdowsi, Personality structure, Stages of Mental and sexual development.



مقدمه

شاهنامه فردوسی با توجه به سیری منطقی که در سرودن آن به کار رفته است سه بخش اسطوره ای، پهلوانی و تاریخی را رقم می زند. این کتاب بزرگ به سرزمین ایران و بخش مهمی از جهان زندگان شخصیتی کامل می بخشد. چند تن از نویسندگان و شاعرانی که بر شاهنامه خرده گرفته اند و پاره ای از داستان های آن را بدآموز معرفی کرده اند، استدلالشان چنین است که داستان رستم و سهراب بیان کننده انتقام سهراب از رستم است به خاطر مادرش تهمنه! که یادآور نظریات ناتمام فروید اطریشی است. با ترویج اسطوره پدر کشی و پسرکشی است که یادآور تضاد دیالکتیک تاریخی یا تضادهای سیاسی و بین المللی است. همچنین باید اشاره نمود که فروید به دلایل مذهبی و فرهنگی با جشن هایی آشنا بوده است که در نزد یهودیان به فوریم مشهور است و بنا بر آنچه در عهد عتیق (کتاب استر) آمده، در گرامیداشت واقعه ای تاریخی برگزار می شود که طی آن توطئه هامان، وزیر خشایار شاه، برای از میان بردن یهودیان ناکام مانده است. فروید طبعاً از مفهوم سفر نیز درکی ویژه داشته زیرا از کودکی با سفر حماسی موسی برای بردن قومش به ارض موعود آشنا بوده و آن را تحسین می کرده است. دست کم یک جلد از کتابی دو جلدی که نخستین بار در سال های ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۳ به چاپ رسیده بود، در دوران کودکی زیگموند فروید در دسترس او بوده است. ماجرای مربوط به «مینیاتورهای رنگی پاره شده» در دوران کودکی فروید اتفاق افتاده است. اطرافیان فروید خردسال به او اجازه داده اند تا کتابی مصور را که درباره سفر به ایران بوده پاره پاره کند. این خاطره دوران خردسالی بعدها و در زمان میان سالی او از نو در ذهنش زنده شده است. خود فروید در تحلیلی که در باب «رؤیای رساله گیاه شناختی» نوشته به این خاطره و تأثیر آن اشاره کرده است.

۱- کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسأله

به نظر فروید، رشد و تحول شخصیت و تشکیل نهاد، خود و فراخود و مکانیسم های دفاعی به سیر رشد روانی جنسی پنج سال نخست زندگی بستگی دارد. مراحل دهانی، مقعدی و آلتی قبل از ۵ یا ۶ سالگی سپری می شوند. سپس یک دوره نسبتاً آرام برای ۶ ساله ها شروع می شود (دوره نهفتگی) آن گاه در دوره نوجوانی، مرحله تناسلی آغاز می شود که شروع آن هنگام بلوغ است. (ویتل و دیگران، ۱۳۵۰) طفل از زمان تولد تا تقریباً ۱۸ ماهگی، مرحله دهانی را می گذراند. بین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی، مقعد منبع اصلی لذت است. از ۳ سالگی تا ۵ یا ۶ سالگی، محدوده آلت تناسلی منبع اصلی کامروایی جنسی می شود. پس از رفع تعارضات ناشی از عقده ادیپ، کودک وارد مرحله نهفتگی می شود. این مرحله از شش سالگی تا دوازده سالگی (بلوغ) طول می کشد و یک مرحله روانی جنسی محسوب نمی شود چون انرژی جنسی (تکانه های دهانی و مقعدی) به سوی دیگری هدایت می شوند. (هال، الوین اسپرینگر، ۱۳۴۸)

از سوی دیگر باید بیان نمود که شاهنامه حماسه ای است که در آن افسانه که همان (رؤیای فروید)، واقعیت همان (خود آگاه)، امر محسوس همان (نیمه آگاه) و امر نامحسوس (ناخود آگاه) که در آن واحد در هم آمیخته شده اند. فردوسی تاریخ و اسطوره (روانشناسی) را به هم پیوند می دهد؛ به سخن دیگر گاه به «هومر» شباهت می برد و گاه به «هروت» (فردوسی، ۱۳۸۴)

در واقع ما در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این سؤال هستیم که آیا فروید از شاهنامه فردوسی الهام گرفته و اینکه این تأثیرپذیری چگونه بوده است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

شاهنامه، این اثر ادبی فناپذیر، با جمله «به نام خداوند جان و خرد» آغاز می شود. هزار سال پیش، قبل از رنسانس غرب، سده ها پیش از قرن هجدهم، قرن روشنگری، پیش از زایش دکارت و ولتر، یک شاعر ایرانی، فراتر از هر چیز، اندیشه و خرد را



ستوده است. شاعر ایرانی، این ستایش را با چنان باور و با چنان شور و وجدی بیان می کند که خواننده را بی اختیار شیفته خرد می سازد. (مایو ، ۱۳۶۹)

بنابر نظریه فروید، روان شناس سرشناس، شخصیت انسان از سه عنصر تشکیل یافته است: نهاد، من و فرامن. این سه عنصر در تعامل با یکدیگر، رفتارهای پیچیده انسانی را به وجود می آورند. نهاد، تنها مؤلفه شخصیت است که از بدو تولد حضور دارد. خود، آن مؤلفه از شخصیت است که مسئول برخورد با واقعیت است؛ و فراخود آن جنبه از شخصیت است که در بردارنده تمام آرمانها و استانداردهای اخلاقی و درونی است که ما از پدر و مادر و جامعه کسب می کنیم.

اهمیت و دلیل انتخاب موضوع بررسی اصطلاحات ساختار شخصیتی و مراحل رشد روانی - جنسی فروید و تأثیرپذیری آن از شاهنامه فردوسی به عنوان پژوهش را می توان اینگونه بیان نمود که تا کنون هیچ پژوهش ، کتاب و مقاله ای در ارتباط با این موضوع نگاشته نشده و در واقع محقق در مورد الهام بخشی فردوسی و شاهنامه اش بر روی فروید ؛ از دیدگاهی روانشناسانه و جدید اقدام به نگارش این متن نموده است.

۱- ۳- سؤالهای پژوهش

- سؤال اصلی

تأثیرپذیری فروید از شاهنامه ی فردوسی چگونه بوده است؟

- سؤالهای فرعی

الف) الهام پذیری فروید از تصاویر ساختار شخصیتی شاهنامه فردوسی برای تصاویر ساختار شخصیتی خویش چگونه است؟

ب) مراحل رشد روانی - جنسی فروید و تأثیرپذیری آن از شاهنامه فردوسی چگونه است ؟

۱- ۴- اهداف پژوهش

در این پژوهش به دنبال این قضیه هستیم تا بیان نماییم که فروید معتقد بود شخصیت از سه سطح آگاهی (Consciousness) تشکیل شده است: نهاد (Id) ، من یا خود (Ego) و فراخود یا من برتر (Superego) که دارای کارکردهای روان شناختی مشخصی هستند و به شیوه های خاصی عمل می کنند. ضمن اینکه فردوسی نیز ساختار شخصیتی خود را تحت عنوان نهاد ، من ، من برتر ، معرفی کرده بود.

- هدف اصلی

بررسی اصطلاحات ساختار شخصیتی و مراحل رشد روانی - جنسی فروید و تأثیرپذیری آن از شاهنامه فردوسی

- اهداف فرعی

الف) معرفی تصاویر ساختار شخصیتی شاهنامه فردوسی و مطابقت آن یعنی الهام پذیری فروید از این تصاویر برای تصاویر ساختار شخصیتی خویش.

ب) بیان مراحل رشد روانی - جنسی فروید و تأثیرپذیری آن از شاهنامه فردوسی

۱- ۵- تعاریف کلیدواژگان

فروید :

زیگموند فروید^۱ که بنیانگذار مکتب روانکاو بود در ماه مه ۱۸۵۶ در فریبرگ موراوی^۲ متولد شد و در اواخر سپتامبر ۱۹۳۹ در لندن چشم از جهان فرو بست. او تحصیلات خود را در پزشکی با تخصص عصب شناسی^۳ به پایان رساند. (پورافکاری ، ۱۳۷۳)
فردوسی :

¹ Sigmund Freud

² Freiberg Moravia

³ Neurology



حکیم ابوالقاسم فردوسی (۳۲۹ - ۴۱۱ هجری قمری) حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن موسوم به ابوالقاسم فردوسی طوسی بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرای ایران است که به قولی همانند او را تاکنون مادر فلک نزیابیده است. ساختار شخصیتی :

الف) ساختار شخصیتی شاهنامه فردوسی : ۱- نهان ؛ اثری که در چیزی پنهان باشد ، هنوز شکل نگرفته یا به فعل تبدیل نشده است. همچنین باطن مستور نیز می باشد. ۲- من ؛ برون چهر و درون چهر. ۳- من برتر ؛ چون من از تاریکی به روشنایی آمد. (دهخدا ، ۱۳۷۷)

ب) ساختار شخصیتی فروید : ۱- نهاد: بزرگترین بخش شخصیت و منبع نیازها و امیال زیستی انسان است و تمام انرژی لازم برای دو بخش دیگر شخصیت را فراهم می کند. ۲- من: نماینده منطق و عقل و رابط بین نهاد و محیط خارج است. ۳- فرامن: در سنین بین ۳ تا ۶ سالگی از تعامل با والدین بوجود می آید. (ایزدی ، ۱۳۵۲)

مراحل رشد روانی - جنسی :

به نظر فروید لیبیدو انرژی روانی - جنسی است. افراد از تولد ۴ مرحله رشد جنسی را طی می کنند:

۱- دهانی (۰ تا ۲ سال) ۲- مقعدی (۲ تا ۴ سال) ۳- آلتی (۳ تا ۶ سال) ۴- نهفتگی (۶ تا ۱۲ سال) ۵- تناسلی (۱۳ به بعد)

(هال ، الوین اسپرینگر ، ۱۳۴۸)

شاهنامه :

شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی، حماسه‌ای منظوم در بحر متقارب مثنی محذوف و دربرگیرنده نزدیک به ۶۰,۰۰۰ بیت و یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین سروده‌های حماسه‌ای جهان است که سرایش و ویرایش آن گنجینه، دست‌آورد دست کم ۳۰ سال رنج و تلاش خستگی‌ناپذیر این سخن‌سرای بزرگ ایرانی است.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

الف) مبانی نظری

۲-۱- فردوسی

فردوسی، نامی است که هر ایرانی از دوران کودکی تا انتهای عمر، بارها و بارها می شنود و به سبب اثر سترگ او «شاهنامه» که خدمتی کم نظیر و زوال ناپذیر در حق ادبیات فارسی است، به این نام پر شکوه علاقه و عشق می ورزد. نام و نشان حقیقی فردوسی، در نسخه های شاهنامه و تذکره ها متفاوت است. کنیه او یقیناً «ابوالقاسم» و نام جدش یقیناً «شرفشاه» است ولی پیرامون نام وی و نام پدرش حدس و گمان ها گوناگون است؛ در برخی از اسناد، نام کامل او «منصور بن حسن بن شرفشاه» ذکر شده است ولی در دیگر اسناد «حسن بن احمد بن شرفشاه»، «احمد بن علی بن شرفشاه» و «حسن بن علی بن شرفشاه» نیز نام هایی است که به ابوالقاسم نسبت داده شده است.

۲-۱-۱- ولادت

درباره سال به دنیا آمدن ابوالقاسم فردوسی، اقوال فراوانی وجود دارد. این نظرات از سال ۳۱۹ تا ۳۳۰ هجری را در بر می گیرد اما در میان تذکره نویسان و مولفین تاریخ ادبیات، سال ۳۲۹ هجری قمری مصادف با سال ۳۱۹ هجری خورشیدی مکررتر و مقبول تر است. لذا به نظر می رسد حکیم طوس در این سال، پای به جهان گذاشته باشد. درباره زادگاه او، هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد؛ قریه «پاز» که از توابع شهر «طابران» در ناحیه «طوس» در بیست کیلومتری «سناباد» یا «مشهد مقدس علی بن موسی الرضا (ع)» است، یقیناً زادگاه فردوسی است. ناحیه ای که در زمان خلیفه سوم به دست مسلمانان فتح شد و به سبب نابرابری های موجود میان اعراب و عجمان در زمان خلیفه سوم و خلفای اموی، اهالی بومی این نواحی اغلب به مذهب تشیع (اعم از اثنی عشری، زیدی و اسماعیلی) روی آوردند. البته وجود مدفن مقدس امام رضا (ع) در این منطقه نیز مزید بر علت تشیع خراسانیان بوده است.



۲-۱-۲ - سرایش شاهنامه

فردوسی در سال ۳۷۰ هجری قمری، در زمانی که ۴۰ سال از عمرش گذشته بود، منظوم کردن شاهنامه را آغاز کرد. در اوایل سرایش شاهنامه، هم خود فردوسی ملک و دارایی قابل توجهی داشته و هم بعضی از بزرگان شیعی طابران مانند حسین قتیبه و علی دیلمی که اغلب به حکمت و فرهنگ آبا و اجدادی شان علاقه داشتند، او را از حیث معاش یاری می کردند. هر چند به مرور زمان و پس از گذشت سال های جوانی، در حالی که فردوسی بیش تر شاهنامه را سروده بود، دچار فقر و تنگ دستی شد. سرانجام پس از قریب ۱۵ سال، در تاریخ ۳۸۴ هجری قمری (برابر با ۲۵ سپندارمذ سال ۳۷۲ خورشیدی) ویرایش نخستین شاهنامه که منحصر به نظم روایات منثور شاهنامه ابومنصوری بود را به انجام رساند. فردوسی به دیگر منابعی که در اختیار داشت، همچون «اسکندرنامه» و «اخبار رستم» تألیف «آزاد سرو» رجوع کرد و بیش از یک دهه دیگر در کار تکمیل و تهذیب شاهنامه کوشید. این سال ها هم زمان با برافتادن سامانیان و برآمدن سلطان محمود غزنوی بود. فردوسی در سال ۳۹۴ هجری قمری (برابر با ۳۸۲ خورشیدی) در سن شصت و پنج سالگی ویرایش دوم شاهنامه را آغاز کرد که شامل بخش های مربوط به پادشاهی ساسانیان بود. وی در سال ۴۰۰ هجری قمری در هفتاد و یک سالگی کار ویرایش دوم شاهنامه را به پایان آورد. البته به جز شاهنامه که تنها سروده ای است که قطعاً از فردوسی است، سروده های دیگری نیز به وی نسبت داده شده است؛ مانند یک مثنوی به نام «یوسف و زلیخا» چند قطعه، قصیده، غزل و رباعی که به دلایل ادبی و تاریخی احتمال سروده شدن آن ها توسط فردوسی بسیار کم است. اگر تمام این قطعات را بر هم بیفزاییم در حدود بیست قطعه شعر غنایی به فردوسی منسوب است که معروف ترین قطعه منسوب به او، شعری است که محمد عوفی در لباب الالباب آورده است.

۲-۱-۳ - درگذشت

از آنجا که فردوسی به رفض و الحاد متهم بود، با دخالت مفتی شهر طوس، از تدفین او در گورستان مسلمانان ممانعت به عمل آمد و به این ترتیب او را بیرون از شهر و در باغ خودش به خاک سپردند.

۲-۲-۲ - فروید

زیگموند شلومو فروید یا زیگموند شلومو فروید^۱ تلفظ آلمانی [ˈzi:kmont ˈfʁɔʏt] زاده ۶ مه ۱۸۵۶ - درگذشته ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹ عصب شناس اتریشی است که پدر علم روانکاوی شناخته می شود. بازتعریف فروید از تمایلات جنسی که شامل اشکال نوزادی هم می شد به او اجازه داد که عقده ادیپ (احساسات جنسی بچه نسبت به والدین جنس مخالف خود) را به عنوان اصل مرکزی نظریه روانکاوی درآورد. فروید وجود زیست مایه (لیبیدو) را قطعی می دانست (به نظر او لیبیدو انرژی روانی - جنسی است. منبع آن اروس یعنی مجموع غرایز زندگی است. لیبیدو با مرگ می جنگد و می کوشد انسان را در هر زمینه به پیروزی برساند. این نیرو را شهوت نیز می نامند. زیست مایه بیش از هر چیز معنای جنسی دارد) (Mannoni, 1971) و (طیب، ۱۳۷۹)

۲-۲-۱ - ساختار شخصیت از دیدگاه فروید

عقاید فروید در زمینه ماهیت ساختاری شخصیت، در اوایل کارش با آنچه که بعداً مطرح کرد تفاوت دارد. در ابتدای کار، او شخصیت را با توجه به سطوح آگاهی، مورد توجه قرار داده و آن را شامل بخش های هشیار، نیمه هشیار و ناهشیار می دانست. در سال ۱۹۲۳ میلادی، فروید در نظریه فوق تجدیدنظر کرد و سه ساخت بنیادی دیگر شخصیت را به نام های نهاد (id)، خود (ego) و فراخود (superego) عنوان کرد. در نظر فروید، تعامل و تعارض پویای این سه ساخت تعیین کننده رفتار است. (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۵)

الف) نهاد

¹ Sigmund Schlomo Freud



نهاد، اساسی ترین جنبه شخصیت است. نهاد مثل یک کودک ناز پرورده عمل می کند، زیرا خواهان ارضای فوری امیالش است. (سیدمحمدی، ۱۳۸۳) نهاد منشأ همه سائق ها و یا مخزن غرایز است. نهاد برخلاف خود و فراخود، از تشکیلات خاصی برخوردار نیست و چون با دنیای خارج تماس ندارد، از طریق تجربه نمی توان آن را تغییر داد، بلکه به وسیله خود می توان آن را مهار و یا تعدیل کرد. (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۵)

ب) خود

خود، بخش سازنده شخصیت است که با توجه به واقعیت دنیای خارج عمل می کند و آن دسته از تمایلات نهاد را که با واقعیت خارج تضاد دارند، تعدیل، ضبط و کنترل می کند. خود از نهاد سرچشمه می گیرد و رشد می کند. نهاد تابع هیچ قید و بندی نیست و ارضای صرف تمایلات و نیازها را می طلبد. (پیشین) بنابراین، "خود" سازمان پیچیده ای از فرایندهای روانی (تفکر، حافظه، قضاوت و انواع یادگیری ها) است که نقش واسطه را میان نهاد و دنیای خارج ایفا می کند. رشد و تکوین "خود" تحت تأثیر عوامل ارثی و محیطی صورت می گیرد. (پیشین)

ج) فراخود

نهاد و خود، تصویر کامل فروید از ماهیت انسان را نشان نمی دهد. مجموعه نیروهای سومی نیز وجود دارد، مجموعه قدرتمند و عمدتاً ناهشیار دستورات و اعتقاداتی که در کودکی آن ها را فرامی گیریم. به زبان امروزه، این اصول اخلاقی درونی را وجدان (conscience) می خوانیم. فروید آن را فراخود نامید. (سیدمحمدی، ۱۳۸۴)

۲-۲-۲ - نظریه تحلیل روانی فروید

از دیدگاه فروید هدف از رشد، کنترل هیجانانگیزه هاست. به نظر وی فرد رشد یافته باید از تضادهایی که در کودکی برای او به وجود آمده تا حدی آزاد باشد. یعنی بتواند دیگری را دوست داشته باشد و از ارتباط داشتن با افراد جامعه کاملاً لذت ببرد. در نظریه فروید طبیعت آدمی به صورت متفاوت از پیش مطرح شود. در این نظریه فرد تحت تأثیر انگیزشها و تعارضات عمدتاً نا آگاهانه است و شخصیت فرد بر اساس تجربه های اولیه زندگی او شکل می گیرد. به نظر فروید جریان رشد از مراحل مختلفی می گذرد و تحول غریزه عمومی جنسی رشد را سازمان می دهد. همراه با این غریزه انرژی آن (لیبیدو) به تدریج از قسمتی از بدن به قسمت دیگر منتقل می شود و در هر یک از این انتقال ها یک مرحله جدید روانی - جنسی بروز می کند. (شارف، ۱۳۹۵)

۲-۲-۳ - مراحل رشد روانی - جنسی از دیدگاه فروید

مرحله اول: مرحله دهانی

این مرحله از هنگام تولد تا یک سالگی کودک را شامل می شود و به طور کلی این یک سال صرف گرفتن می شود مثل گرفتن غذا مثل شیر و نیز گرفتن اطلاعات به معنای کلی کلمه. تا حدی که فروید می گوید: اگر کودک شیرخوار می توانست فکر خود را بیان کند بی شک اعتراف می کرد که پستان مادر مهمترین چیز در زندگی است البته مکیدن عملی حیاتی برای تغذیه کودک باشد ولی فروید معتقد است که مکیدن به نوبه خود باعث لذت هم می شود. به همین جهت کودکان شیرخوار زمانی هم که گرسنه نیستند انگشت شصت خود و اشیاء دیگر را می مکند. فروید این مکیدن برای لذت بردن را خود شهوتی یا اطفاء شهوت به وسیله خود نامیده است. هنگامی که کودکان شیرخوار شصت های خود را می مکند در واقع تکانه های خود را متوجه افراد دیگر نمی کنند بلکه به وسیله بدن خود ارضاء می شود. (فروید، ۱۳۹۲)

مرحله دوم: مرحله معقدی

تقریباً بین سن یکسال و نیمگی تا سه سالگی، وضعیت روابط بین والدین و کودک تغییر می کند. بدین ترتیب که در حدود ۱۸ ماهگی از کودک درخواست جدیدی یعنی آموزش آداب توالت رفتن می شود. تا قبل از این دوره سنی والدین بودند که سر



تسلیم در برابر نیازهای کودکان فرود می‌آورند ولی حالا کودک در وضعیت جدیدی قرار گرفته و اوست که باید سر تسلیم در برابر والدین فرود بیاورند. در این دوه لیبدو بر ناحیه معقد متمرکز می‌شود و کانون علائق جنسی کودک می‌شود. مرحله سوم: مرحله احلیلی

در حدود سنین سه تا شش سالگی کودک وارد مرحله احلیلی یا ادوپی می‌شود. زمانی که تمرکز لذت از معقد به اندام‌های تناسلی منتقل می‌شود و کودک دوباره با بنودی بین تکانه‌های نهاد و درخواست‌های جامعه که در انتظارات والدین شده است مواجه می‌گردد. این مرحله متمرکز بر مسئله وابسته به فقدان یا حضور احلیل است که تقریباً به سومین سال زندگی پوشش می‌دهد و به یک معنا مرحله اثبات خود نیز هست. در این مرحله که آخرین مرحله پیش‌تناسلی یا مراحل کودکی است کودکان علاقه قابل توجهی به کاوش و دستکاری آلت تناسلی خود و هم بازی‌هایشان نشان می‌دهند.

عقد ادیپ

عقد ادیپ گروه اصلی ساخت گرده خانوادگی و تمام جامعه بشری است چرا که در بردارنده ممنوعیت زنا با محارم است. بحران ادیپی در پسر بچه زمانی شروع می‌شود که پسر بچه توجه به آلت جنسی خود را آغاز می‌کند. به گفته فروید این عضو به سادگی تحریک پذیر و تغییر پذیر و از نظر ادراک‌های حسی بسیار غنی است، کنجکاوای کودک را بر می‌انگیزد پسر بچه می‌خواهد آلت جنسی خود را با دیگر افراد مذکر و جانوران نر مقایسه کند و می‌کوشد آلت جنسی دختران و زنان را هم ببیند. او ممکن است شروع به بوسیدن مادر به نحو پرخاشگرانه کند و یا تصور کند با مادر خود ازدواج می‌کند. با این حال پسر مانعی بر سر راهش می‌بیند، یعنی پدر؛ کسی که پسر او را یک تهدید و رقیب در نظر می‌گیرد. وی متوجه می‌شود که پدر رابطه مخصوصی دارد که به او اجازه شرکت کردن در آن را ندارد. او می‌بیند که پدر هر وقت که بخواهد مادر را می‌بوسد و در آغوش می‌گیرد و تمام شب را با او می‌خوابد و با او هر کاری را که بزرگسالان شبها انجام می‌دهند می‌کند. در نتیجه به پدر حسادت می‌کند و خصومت می‌ورزد. بدن ترتیب خطوط عقد ادیپ ترسیم می‌شود که در آن پسر بچه پدر را به عنوان رقیبی برای عشق و عاطفه مادر می‌بیند. (برنر، ۱۳۴۷)

عقد الکتر

بحران ادیپی در دختر بچه از حدود ۵ سالگی شروع می‌شود او در همین سن و سال از مادر خود مأیوس می‌شود. از آنجایی که دیگر مانند اوقاتی که کوچکتر بود به وی رسیدگی و محبت نمی‌کند احساس محدودیت می‌نماید و اگر بچه‌های جدیدی به دنیا بیایند او از توجه مادر به آنان رنجیده و متغیر می‌شود. از این گذشته خشم و غضب او در نتیجه قدغن‌های مادر از قبیل منع استمناء افزایش می‌یابد. سرانجام ناراحت کننده‌تر از هر چیز این است که او در می‌یابد که فاقد آلت رجولیت است، واقعیتی که دختر بچه به علت آن مادر خود را که او را تا این اندازه ناقص به دنیا فرستاده است متهم می‌کند و مورد سرزنش قرار می‌دهد. در نتیجه عشق به مادرش کمتر می‌شود و پدر به هدف عشق جدید تبدیل خواهد. لازم به ذکر است که دختر بچه‌ها هم قبل از این مرحله به مادر خود عشق می‌ورزند چرا که او نخستین منبع غذا، محبت و امنیت در دوره طفولیت است. ولی بالاخره دختر بچه غرور و سرافرازی زنانه خود را با دیگری به دست می‌آورد و آن موقعی است که آغاز به درک و قدردانی از توجه پدر به خود می‌کند و نسبت به پدرش رشک می‌برد و عشق خود را به او منتقل می‌سازد. زیرا پدر دارای اندام جنسی بسیار با ارزشی است. بنابراین دختر آنچه را که فروید رشد آلت مردی می‌خواند و به وجود می‌آورد نظیر اضطراب اختگی پسر، دختر معتقد است که آلت مردانه‌اش را از دست داده و پسر می‌ترسد که آن را از دست بدهد. با این حال دختر بچه شروع به خیالبافی رمانتیک در مورد خود و پدرش می‌کند. در ابتدا افکار او شامل تمنای مبهم برای داشت آلت رجولیت پدر است اما این فکر به زودی عوض می‌شود و تبدیل به آرزوی داشتن یک کودک و تقدیم آن به عنوان یک هدیه به پدر است. در این دوره دختر بچه مادر خود را همانند پدر برای پسر، رقیبی عشقی برای خود می‌بیند، حداکثر می‌بیند کارهایی از قبیل در آغوش گرفتن پدر، خوابیدن با او و اینکه خود را به او بچسباند را نمی‌تواند انجام دهد ولیکن مادر قادر است همه این کارها را بکند. بنا به گفته فروید می‌توان اسم چنین موقعیت ادیپی را عقد الکتر گذاشت.



مرحله چهارم: مرحله نهفتگی

این مرحله از حدود شش سالگی تا یازده سالگی کودک را پوشش می دهد. کودک با برقراری دفاع های نیرومند بر علیه طوفانها و فشارهای روانی مراحل دهانی، معقدی و احساس های ادیپی وارد مرحله کمون یا همان نهفتگی می شود. این مرحله به منزله مرحله استراحت و تحکیم و مواضعی است که کودک به دست آورده است. گریزه جنسی نافعال است و خیالبافی ها به شدت واپس زده شده و در ناخودآگاه جای گرفته است.

مرحله پنجم: مرحله تناسلی

آخرین مرحله رشد روانی - جنسی یعنی مرحله تناسلی در دوره بلوغ جنسی شروع می شود. به هنگام بلوغ که در دختران در حدود یازده سالگی و در پسران در حدود ۱۳ سالگی آغاز می شود انرژی جنسی با نیرویی زیاد شروع به فعالیت می کند و دفاع های مستقر را تهدید به فروپاشی می کند. یک بار دیگر احساسات ادیپال تهدید به منظور در خود آگاه می کند و این بار فرد جوان به اندازه کافی بزرگ هست که بتواند این احساسات را در عالم واقع به مرحله انجام برساند. این مرحله بحرانی است که به صورت بحران نوجوانی معمولاً به صورت ناگهانی به مرحله نهفتگی پایان می بخشد.

ب) پیشینه پژوهش

تا کنون کتاب، مقاله یا پایان نامه ای با این عنوان چاپ نگردیده است؛ فقط برخی منابع به صورت موردی به این موضوع اشاره کرده اند که در بخش منابع به برخی از آنها اشاره گردیده است. نتایج نشان می دهد که هدفی که روانشناسی رشد امروزه به دنبال آن است کاملاً متفاوت با دوران گذشته می باشد.

۲-۳- پیشینه پژوهش در داخل ایران:

نظریه های روانکاوی از مسیرهای مختلف و به شکل های متفاوت به ایران آمده اند. آغاز نقد ادبی روان شناسی در ایران بیشتر با نام صادق هدایت و آثار او، به ویژه بوف کور پیوند خورده است. در حوزه شاهنامه اولین کسی که از منظر روان شناسی به داستان و شخصیت های آن نگاهی انداخته، محمود صناعی است. محمدرضا امینی در مقاله ای داستان ضحاک و فریدون را بر اساس نظریه یونگ در مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز به چاپ رسانده اند. تحلیل داستان سیاوش بر پایه نظریه یونگ اثر اقبالی و دیگران در مجله پژوهشی زبان و ادبیات فارسی نشر یافته است. اسطوره کیومرث گل شاه اثر فاطمه مدرسی در مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز به چاپ رسیده است.

وحید سبزیان پور و پیمان صالحی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تصویرسازی حماسی در شاهنامه فردوسی و دیوان متنبی؛ مطالعه مورد پژوهانه: تصویر خون در میدان نبرد؛ به این نتیجه رسیدند که با آنکه فردوسی و متنبی با دو انگیزه کاملاً متفاوت، یکی ملی و دیگری مدح و ستایش حاکمان، به خلق آثار حماسی پرداخته اند، با مقایسه تصویرسازیهای آنان از صحنه های خونی نبرد به نقاط اشتراکی بر می خوریم که به اشکال مختلف از جمله توارد، استفاده از الگوهای کلیشه ای، تأثیرپذیری فردوسی از شعر متنبی و یا شاعران قبل از او، قابل تفسیر است. اما تفاوت اساسی کارشان در این است که حکیم طوس با انگیزه های ملی دست به خلق شاهنامه زد و از آنجایی که مخاطبان وی، مردم کوچ و بازار بودند در تصویرسازی خویش از پرده های حماسی، بیشتر از تشبیه و کنایه و کمتر از استعاره، استفاده کرده است. در حالی که متنبی برای جلب رضایت امیران و حاکمان درباری، مجبور به تصنع و استفاده از استعاره شده، لذا معانی پیچیده و دور از ذهن مردم عامی، در سراسر تصویرسازی های حماسی او موج می زند.

حسین نیک منش (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان تشابه ساختار شخصیت فروید با کوه؛ به این نتیجه رسید که «زیگموند فروید» در طرح اولیه خود شخصیت را به سه سطح تقسیم کرد: هوشیار، نیمه هوشیار و ناهوشیار.

وی ذهن را به کوه یخ شنواری تشبیه کرد که هوشیار بخش بالای سطح آب یعنی فقط نوک یخ می باشد و ناهوشیار بخش بزرگتر و غیر قابل رویت زیر سطح آب است. نظریه روانکاوی بر این بخش تمرکز دارد. اعماق وسیع و تاریک آن جایگاه غرایز است، آن امیال و آرزوهایی که رفتار ما را هدایت می کنند. ناهوشیار شامل نیروی سوق دهنده عمده درشت کل رفتار است و



مخزن نیروهایی است که نمی‌توانیم آنها را ببینیم یا کنترل کنیم. نیمه هوشیار، بین این دو سطح قرار دارد. نیمه هوشیار مخزن خاطرات، ادراک و افکاری است که ما در لحظه به صورت هوشیار از آن آگاه نیستیم ولی می‌توانیم آنها را به راحتی به هوشیاری فرا خوانیم. فروید بعداً نظریه خود را درباره سه سطح شخصیت تغییر داد و سه ساختار اساسی را در آناتومی شخصیت معرفی کرد: «نهاد» (id)، «من» (ego) و «فرامن» (superego).

۲-۴ - پیشینه پژوهش در خارج از ایران:

یوهان آموس کمینیوس، جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) از محققان قرن هجدهم و ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) جان نیکولاس تتنس (۱۸۰۷-۱۷۳۶) تیومن و فردریک آگوست کاروس (۱۸۰۸-۱۷۷۱) مربوط به قرن هجدهم بودند. در قرن نوزدهم روان شناسانی همچون فردریک فروبل (۱۸۵۲-۱۷۸۳) چارلز داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹)، استانلی هال (۱۸۴۶-۱۹۲۴) ویلهلم پرید فعالیت می‌کردند و بالاخره در قرن بیستم روانشناسانی چون زیگموند فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶)، جان دیوئی، آرنولد گزل، ژان پیازه (۱۸۹۶-۱۹۸۰)، جان بی واتسن (۱۹۵۸-۱۸۷۸)، آلفرد بینه و سیمون تحقیقات تجربی و علمی بیشتری درباره رشد جسمانی و روانی کودک انجام دادند. روند پیشرفت این مطالعات بدین صورت بود که در قرون وسطی یعنی قرن ششم تا پانزدهم مردم بر این باور بودند که کودکان به صورت افراد بالغ پیش ساخته اما مینیاتوری به دنیا می‌آیند و به کودک به عنوان مرحله‌ای جداگانه در روند زندگی اهمیت کمی می‌دادند. در عوض بعد از اینکه کودک از نوباوگی سر بر می‌آوردند آنها را به صورت بزرگسالان مینیاتوری که پیش فرم گرفته می‌انگاشتند (همان دیدگاه نظریه فرم یافتگی پیشین) بر پایه این نظریه برای سده‌های پی در پی بیشتر دانشمندان باور داشتند که یک انسان کوچک و کاملاً شکل گرفته یا هومونکولوس در اسپرم یا در تخم هنگام لقاح جای گرفته در واقع درمان در همان دم آفرینش پیش ساخته شده است و تا هنگام تولد تنها از نظر اندازه جثه رشد می‌کند. این باور تا زمان‌های اخیر چون سده‌های هجدهم میلادی وجود داشت در نقاشی‌های به گونه‌ای تغییر ناپذیر کودکان را با تناسب بدنی و ویژگی‌های چهره افراد بزرگسال تصویر می‌کردند. کودکان تنها به وسیله اندازه خود متمایز می‌شوند (آرین ، ۱۹۶۰) از نظر اجتماعی نیز با کودکان همچون بزرگسالان رفتار می‌شد. به محض اینکه آنان می‌توانستند راه بروند و گفتگو کنند به اجتماع بزرگسالان می‌پیوستند و به کارها و فعالیت آنان مشغول می‌شدند و مانند آنها لباس می‌پوشیدند و در واقع تفاوتی بین کودکان و بزرگسالان قائل نمی‌شدند.

زیگموند فروید (۱۹۲۳) در کتاب خود با عنوان خود و نهاد؛ تبیین جامعی از ساختار ذهن و روال کار آن ارائه می‌دهد. از آنجا که این اثر جزو آخرین آثار فروید محسوب می‌شود، مفاد آن مبین اندیشه‌های کمال یافته او درباره مفاهیم اساسی روانکاوی (از قبیل تقسیم ذهن به ۳ لایه آگاه و نیمه آگاه و ناخودآگاه، و همچنین نحوه شکل‌گیری سه حوزه مختلف روان که فروید آنها را «نهاد» و «خود» و «فراخود» می‌نامید) است.

زیگموند فروید (۱۹۰۰) در کتاب خود با عنوان تعبیر رؤیا؛ عنوان می‌کند که این کتاب اهمیتی بیش از سایر آثارش دارد، اولین نظریه جامع درباره رؤیا را ایجاد و بر اهمیت رؤیا در روانکاوی (به عنوان بهترین وسیله دسترسی به اطلاعات انباشته شده در ناخودآگاه) بسیار تأکید کرد.

۳- تأثیر پذیری شاهنامه فردوسی بر ساختار شخصیتی و مراحل رشد روانی - جنسی

آثار ادبی یکی از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های کهن الگوهاست و هنرمند برای آفریدن یک اثر ماندگار بیش تر از ناخودآگاه کمک می‌گیرد تا خودآگاه. از آنجا که کهن الگوها ریشه در ناخودآگاهی دارند و گذر از آب هم یکی از کهن الگوهاست، می‌توان تأثیر ژرف این کهن الگو را در آثار ادبی یا هنری مشاهده کرد. گذر از آب در شاهنامه فردوسی آمده است. لازمه خودیابی و یکپارچگی شخصیت این است که فرد مراحل دشوار سفر را بگذراند، سختی‌ها را تحمل کند، و بیاموزد که به راستی روزی بر چالش‌های جدی جهان حتی به همان شکل مبالغه آمیزی که تصویر ترس‌های اوست چیره خواهد شد و



همین امر موجب غنای شخصیت او می گردد. این داستان هشدار می دهد که اگر کسی نتواند خود را به فردی مسئول در عالیترین سطح بدل سازد، باید در انتظار پیامدهای مخرب و ویرانگری باشد. رستم و سهراب و قهرمانان شاهنامه فردوسی، تنها فرد ها نیستند، بلکه نماد های ملی و مردمی ایرانی هستند، که باید آنها را خوب شناخت و با سادگی یک داستان و حماسه به آنها نگاه نکرد. (میرمیران و مرادی ، ۱۳۹۱)

داستان رستم و سهراب داستان نسل کشی از ملتی قهرمان است که سردار و پلھوان محافظ ایران با این که معصومانه و ناخودآگاه فریب می خورد، در حفظ ملت و ملیت و آیین و کیش و همه چیز ایران، حتی فرزند خود را قربانی می کند. رستم بی شباهت به ابراهیم نبی در راه اعتلای کشورش به ابتلا دچار می شود و از این آزمایش پیروز بیرون می آید یعنی قربانی فرزند برای حفظ سرزمین ایران! فردوسی، حکیم بوده و به اندازه تحلیلگران عصر جدید از درایت برخوردار بوده است. (پیشین)



نتیجه گیری

دیدگاه فروید در مورد رشد شخصیت تا حد زیادی متأثر از دیدگاه او نسبت به اهمیت غریزه جنسی است و به همین جهت مراحل مختلف رشد شخصیت را با توجه به مناطق شهوت زانامگذاری کرد. او اعتقاد داشت که در سنین مختلف یکی از مناطق شهوت زای بدن اهمیت بیشتری می یابد، یعنی مرکز تعارض^۱ می شود که کودک باید پیش از آنکه قدم به مرحله بعدی بگذارد، آنها را به شکل رضایت بخشی حل کند.

فردوسی، میراثی برای کشور خویش برجای نهاده است که زنده و جاندار از نسلی به نسل دیگر، منتقل شده است. کمتر تمدنی یافت می شود که در آن اثری شاعرانه این چنین «مردمی» شود، یعنی در عین حال که از شهرت و اعتبار گسترده ای برخوردار شده، محبوبیت عمومی نیز یافته باشد. ترجمه شعر فردوسی، سحر نهایی خود را حفظ می کند. شاهنامه که نخستین بار در سده ی دوازدهم میلادی به زبان عربی برگردانده شد، در بیرون از مرزهای ایران همواره با استقبال گسترده ای روبرو بوده و مورد بررسی و تفسیر فراوان قرار گرفته است.

مورخان، زبان شناسان، شاعران، نثرنویسان، نقاشان و مینیاتوربایست ها، نسل در نسل، خمیرمایه آثار خویش را از شاهنامه برگرفته اند. در زبان فرانسه، «ژول مول»^۲ در قرن ۱۹ شاهنامه را به طور کامل ترجمه کرد، بر این گرانمایه مرد هزار درود که سی سال از عمر خویش را برای ترجمه ی ۶۰ هزار بیت شعر کرد که چند صد سال پیش از آن حماسه سرای توس آنها را سروده بود. این کار چنان بزرگ بود که واپسین مجلدات آن، دو سال پس از مرگ مترجم انتشار یافت.

¹ Conflict

² Jules Mohl



منابع

- ایزدی ، س (۱۳۵۲) روانشناسی شخصیت از دیدگاه مکاتب ، تهران ، انتشارات امیرکبیر .
- برنر ، چ (۱۳۴۷) مقدمات روانکاوی ، ترجمه فرید جواهرکلام ، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پور افکاری، ن (۱۳۷۳) فرهنگ جامع روانشناسی- روانپزشکی، جلد اول، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- شارف ، ر (۱۳۹۵) نظریه های روان درمانی و مشاوره ، مترجم : مهرداد فیروزبخت ، تهران ، انتشارات رسا ، چاپ سیزدهم.
- فردوسی (۱۳۸۴) شاهنامه ، به کوشش سعید حمیدیان ، بر اساس چاپ مسکو ، چاپ هفتم ، تهران ، نشر قطره.
- فروید ، ز (۱۳۹۲) آسیب شناسی روانی زندگی روزمره ، محمدحسین وقار (مترجم) محمدحسین خسروانی (ویراستار) تهران، نشر اطلاعات.
- میرمیران ، م و مرادی ، ا (۱۳۹۱) تحلیل کهن الگویی داستان رستم و اسفندیار ، مجله ادبیات فارسی و زبان خارجی (مطالعات داستانی) دانشگاه پیام نور ، دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۹۵-۱۰۹.
- نصری، ع (۱۳۷۳) (خاطرات، رؤیاهای، اندیشه ها) خدا در اندیشه ی بشر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ولز، ه (۱۳۵۶) نقدی بر فرویدیسم از دیدگاه روانشناسی علمی ، مترجم: نصرالله کسرائیان ، تهران: انتشارات شبگیر.
- ویتل و دیگران (۱۳۵۰) فروید و اصول روانکاوی ، ترجمه و تألیف هاشم رضی ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات آسیا.
- هال ، الوین اسپرینگر (۱۳۴۸) مبانی روانشناسی فروید ، ترجمه ایرج نیک آیین ، تهران ، انتشارات غزالی.